



وضعیت بد اقتصادی ورزشکاران:

مدال آور افغان: پسر در کوجبه‌های کابل آب می‌فروشد



یک ورزشکار افغان که برای افغانستان در رشته کاراته مدال جهانی کسب کرده است، از وضعیت بد اقتصادی اش شکایت دارد. او می‌گوید با آن که قهرمانی‌های زیادی برای افغانستان از کشورهای جهان کسب کرده است، اما پس از حاکمیت طالبان، از چندین مسابقات مهم جهانی به دور مانده و در وضعیت بد اقتصادی به سر می‌برد. وی، دلیل بازماندنش از مسابقات جهانی را نبود بودجه کافی در ریاست تربیت بدنی کشور عنوان می‌کند.



شکایت از کوچ اجباری؛

طالبان نظامیان پیشین را از خانه‌های شان بیرون می‌کنند

آیا بدیلی برای امارت طالبانی وجود دارد؟

جنایت‌هایی برای ثبت در تاریخ

افراد طالبان هیچ‌گامی احترام به حقوق بشری را بلد نبوده‌اند. حتا بر خرده‌های روزانه آنان در مخالفت صریح با دساتیری است که با اتکا بر آن، برای خود دکان باز کرده‌اند. در اسلام همواره بر اخوت و برادری تأکید و با اسیران جنگی رویه مناسب شده است.



قاضی القضاة طالبان، زنان و ننگ افغانی؛ «چو بیرون شد از خانه در گور باد»



نقشه ماهواره‌ای سازمان ملل از آتش‌سوزی‌های نورستان؛ ۶۸ هکتار جنگل نابود شده است

۸ صبح، کابل: مرکز ستلایت سازمان ملل متحد نقشه تازه‌ای از آتش‌سوزی‌های نورگرام ولایت نورستان منتشر کرده و گفته است که ده‌ها هکتار جنگل در آتش سوخته است.

در نقشه منتشر شده، مناطق شناسایی شده توسط ماهواره از آتش‌سوزی جنگل‌های نورگرام ولایت نورستان، ساعت ۱۰:۳۹ صبح ۲ جون، مشاهده شده است.

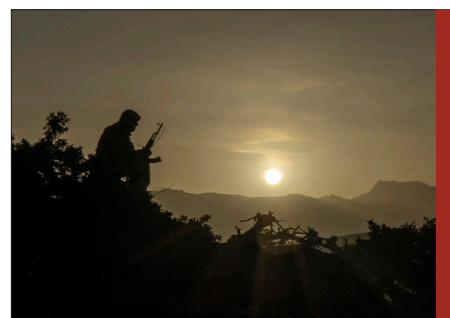
طبق این نقشه، زخم‌های آتش‌سوزی منطقه به‌گونه تقریبی ۶۸ هکتار را پوشش می‌دهد و به نظر می‌رسد از ۲۸ می سال جاری، حدود ۳۳ هکتار افزایش یافته است.

به گفته این مرکز، آتش از بالا به پایین کوه گسترش یافته است. این یک تحلیل اولیه است و هنوز در این زمینه تاییدی صورت نگرفته است.

آتش‌سوزی‌های نورستان با گذشت بیش از ده روز خاموش شده، اما نه از سوی طالبان، بلکه به گفته منابع محلی، این آتش‌سوزی در پی بارش باران‌ها در ساعات جنگلی خاموش شده است.



جبهه مقاومت ملی آغاز فصل جدید در افغانستان است؟



فرارن پالیسی: حفری‌های تازه در اطراف بودا صورت گرفته است



بلافاصله به تاراج مکان‌های تاریخی بامیان در دور نخست حکومت‌شان و انفجار تندیس‌های شهمامه و صلصال، بار دیگر متهم به حفاری و تاراج آثار باستانی اطراف پیکره‌های بودا شده‌اند. به نقل از فرارن پالیسی، طالبان تنها بودا را منفجر و آثار باستانی مغاره‌ها را به تاراج نبردند، بلکه «آن‌ها به روند نسل‌کشی هزاره‌ها که توسط عبدالرحمان خان آغاز شده بود، نیز ادامه دادند.»

فرارن پالیسی نگاشته است که ملا عبدالله سرحدی در کشتار هزاره‌ها در میان سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۰۱ دست داشت. او اکنون والی طالبان در بامیان است و بر تاراج دوباره آثار باستانی بودایی نظارت دارد. سرحدی در دور نخست تسلط طالبان بر افغانستان، در نابودی تندیس‌های بودایی بامیان نیز دست داشت.

این رسانه می‌گوید که با به قدرت رسیدن دوباره طالبان، افراد این گروه

طالبان پس از تاراج میراث‌های بودایی بامیان در دور نخست حکومت‌شان و انفجار تندیس‌های شهمامه و صلصال، بار دیگر متهم به حفاری و تاراج آثار باستانی اطراف پیکره‌های بودا شده‌اند. به نقل از فرارن پالیسی، طالبان تنها بودا را منفجر و آثار باستانی مغاره‌ها را به تاراج نبردند، بلکه «آن‌ها به روند نسل‌کشی هزاره‌ها که توسط عبدالرحمان خان آغاز شده بود، نیز ادامه دادند.»

فرارن پالیسی نگاشته است که ملا عبدالله سرحدی در کشتار هزاره‌ها در میان سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۰۱ دست داشت. او اکنون والی طالبان در بامیان است و بر تاراج دوباره آثار باستانی بودایی نظارت دارد. سرحدی در دور نخست تسلط طالبان بر افغانستان، در نابودی تندیس‌های بودایی بامیان نیز دست داشت.

این رسانه می‌گوید که با به قدرت رسیدن دوباره طالبان، افراد این گروه

وزیر امور خارجه آلمان: طالبان افغانستان را به سمت سقوط می‌برند

۸ صبح، کابل: وزیر امور خارجه آلمان در سفرش به پاکستان گفته است که طالبان در مسیر اشتباهی در حرکت اند و افغانستان را به سمت سقوط می‌برند.

رسانه‌های پاکستانی گزارش داده‌اند که آنالنا بائوبوک، وزیر امور خارجه آلمان، روز سه‌شنبه، ۱۷ جوزا، در نشست مشترک خبری با بلاول بوتو، همتای پاکستانی‌اش، نسبت به بحران انسانی در افغانستان زیر حاکمیت طالبان هشدار داده است.

روزنامه مینیت میبورو پاکستانی در گزارشی گفته است که این مقام آلمانی در نشست خبری مشترک با بوتو، اوضاع افغانستان را وخیم توصیف کرده و گفته است که طالبان افغانستان را به سمت سقوط می‌کشاند.

بائوبوک به منظور گفت‌وگو با مقام‌های پاکستان در مورد روند تخلیه همکاران این کشور و نیز اعمال فشار بر طالبان برای رعایت حقوق بشر و دیگر موضوعات، امروز سه‌شنبه، ۱۷ جوزا، وارد اسلام‌آباد شده است.





بحران حقوق زنان؛ هیدر باز: جهان باید راهی برای فشار بر طالبان بیابد



کندک انتحاری طالبان؛

از خشونت تا کتیک تا خشونت استراتژیک

سیطره طالبان بر کشور نه پرونده خون‌بار دیروز این گروه را عوض می‌کند و نه سرشت جنگ‌طلبانه امروز آن را، و ایجاد کندک انتحاری یکی از نشانه‌های بارز آن است. شماری از ناظران تصور می‌کردند که اگر یک گروه شورشی، حتا با پیشینه تروریستی، به حکومت دست یابد، الزامات حکومت‌داری و ادارش خواهد کرد تا ماهیتش را متناسب با نقش و جایگاه جدیدش متحول گرداند. طالبان در ظاهر وانمود می‌کنند که در چنین مسیری در حرکت‌اند و در برابر افکار عمومی داخل و خارج تضرع دارند که آنان را در نقش گروهی اصلاح شده و تغییر ماهیت‌یافته بنگرند؛ اما همه می‌دانند که از تغییر ماهیت در عمل تا تغییر در ادعا و سخن، فاصله‌ای بسیار است. آنان حتا اگر اراده به تغییر داشته باشند، نمی‌توانند چنین تغییر مسیری را به‌صورت رادیکال در پیش بگیرند. این در حالی است که هیچ نشانه‌ای از چنین اراده‌ای دیده نمی‌شود و عملکردشان نشان می‌دهد که می‌خواهند هم از مزایای جنگ و شورشگری سود ببرند و هم از مزایای برخورداری از دولتی متعارف.

دولت‌های متعارف در دنیا دارای پولیس و اردو هستند که مطابق با قانون، وظیفه یکی حفظ امنیت شهروندان در درون مرزها و وظیفه دیگری دفاع از کشور در صورت تجاوز بیگانه‌گان از بیرون مرزها است. ایجاد کندک انتحاری در اردو اما بدعتی بی‌پیشینه و ناسازگار با ضوابط متعارف دستگاه نظامی دولتی است و این پرسش را در پی می‌آورد که چه هدفی در پس آن قرار دارد؟ ما می‌دانیم که آماده کردن کسی برای عملیات انتحاری، کاری آسان نیست، بلکه نیاز به قرار دادن وی در شرایط روانی ویژه با مغزشویی مستمر دارد تا فردی سالم را به بیماری ربات‌مانند تبدیل کند. عملیات انتحاری اساساً برای اعمال تروریستی طراحی شده است و وجود چنین نهادی در درون ارتش یک کشور، ترور و انتحار را وارد بدنه یک سیستم نظامی دولتی می‌کند و با شاخ‌وبرگ دینی دادن به آن، می‌تواند تبدیل به الگوی تمام سیستم نظامی کشور شود.

اکنون که نیروهای بین‌المللی از کشور رفته‌اند و تنها مخالفت برخی گروه‌های هم‌وطن و هم‌کیش مانده است، که می‌توان مشکل خود را با آنان با گفت‌وگو و تفاهم حل کرد، چه توجیهی برای ایجاد کندک انتحاری می‌ماند؟ به نظر می‌رسد که بلندپروازی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، با الهام گرفتن از القاعده و داعش، انگیزه آن باشد. این احتمال از این‌جا قوت می‌گیرد که این گروه در عرصه حکومت‌داری چیزی برای عرضه کردن ندارد؛ زیرا با مبانی دولت‌داری مدرن بیگانه و به آن بی‌باور است و حتا اگر اراده‌اش را هم داشته باشد، دستاوردهایی نخواهد داشت که رضایت عمومی را در پی بیاورد؛ ولی برعکس، در عرصه‌های جنگ و خشونت تجربه کافی دارد و می‌تواند از آن طریق هم به باج‌گیری سیاسی از کشورهای دیگر بپردازد و هم باج‌گیری اقتصادی. اکنون که مردم افغانستان با نگرانی‌های خود تنها وانهاده شده‌اند، دنیا باید دست‌کم این را بداند که با سیاست این گروه مبنی بر افزایش بی‌رویه مدارس دینی در سرتاسر کشور، کندک انتحاری می‌تواند به تدریج به قول اردوی انتحاری و سپس به دولتی انتحاری متحول شود که کارش صدور فرهنگ انتحاری به دیگر کشورها باشد. گروهی که کارش را با انتحار به پیش برده و از آن نتیجه دلخواهش را گرفته است، آن را از سطح تاکتیک به سطح استراتژی ارتقا خواهد داد. آن‌چه طالبان، القاعده و داعش را در میان گروه‌های اسلام سیاسی برجسته می‌کند، فرهنگ انتحار است.

۸صبح، کابل: نماینده بخش زنان دیده‌بان حقوق بشر از عملکرد کشورها در مواجهه با طالبان انتقاد کرده و گفته است که از زمان تسلط طالبان بر افغانستان بیانیه‌های زیادی نشر شده است؛ اما چیزی که تا کنون وجود نداشته، طرح روشن برای فشار بر طالبان با هدف رعایت حقوق زنان است.

هیدر باز، مسوول بخش زنان دیده‌بان حقوق بشر روز سه‌شنبه، ۱۷ جوزا، در گزارشی گفته است که فهرست نقض حقوق زنان و دختران توسط طالبان طولانی و در حال افزایش است.

او افزوده است که طالبان سیستم محافظت از زنان و دختران در برابر خشونت را محو کرده‌اند. به گفته هیدر باز، در حال حاضر جدی‌ترین بحران حقوق زنان در جهان در افغانستان تحت حاکمیت طالبان جریان دارد.

مسوول بخش زنان دیده‌بان حقوق بشر گفته است که طالبان محدودیت‌ها در زمینه پوشش لباس و رفتار زنان را با اعمال خشونت اجرا می‌کنند.

هیدر باز گفته است که کشورهای سراسر جهان می‌توانند - و باید - کارهای بیشتری انجام

دهند. او افزوده است: «تا زمانی که چیزهایی وجود دارد که طالبان می‌خواهند، اهرم فشار نیز وجود دارد. تا آن‌جا که ممکن است طیف وسیعی از کشورها باید روی نقشه راهی توافق کنند تا برای طالبان روشن شود که تنها راهی که آن‌ها می‌توانند در جهت دستیابی به اهداف خود حرکت کنند، رعایت حقوق بشر است.»

گفتنی است که این اظهارات در واکنش به محدودیت‌های جدید طالبان بر زنان مطرح شده است.

یونیسف به ارزش بیش از ۸ میلیون افغانی تجهیزات طبی و غیرطبی به صحت عامه لوگر کمک کرد

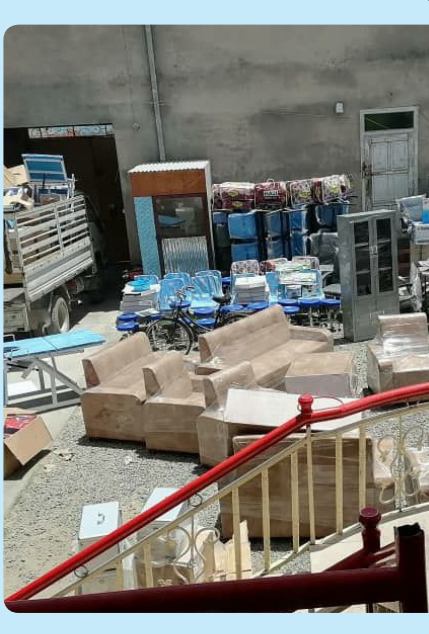
۸صبح، لوگر: مسوولان صحتی لوگر می‌گویند که سازمان صحتی جهان به کمک مالی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل یا یونیسف دومین بسته تجهیزات طبی و غیرطبی را به ارزش بیش از ۸ میلیون افغانی به ریاست صحت عامه این ولایت کمک کرد.

قدرت‌الله عادل، رییس صحت عامه لوگر می‌گوید که این بسته کمکی شامل ماشین‌آلات مختلف طبی، ابزار عملیات‌خانه، میزهای ولادت، ابزار فزیوتراپی، بسته‌های

کمکی اولیه عاجل، دارو، لوازم برقی، یخچال‌های واکسین، تجهیزات دفتر و کمپل می‌شود که روز دوشنبه، ۱۶ جوزا، با همکاری موسسه کف به ریاست صحت عامه لوگر رسیده است.

به گفته عادل، این دومین بسته کمکی سازمان صحتی جهان به ریاست صحت عامه ولایت لوگر است.

گفتنی است که پیش از این شماری از باشندگان لوگر از کمبود دارو و تجهیزات طبی در این ولایت شکایت داشتند.



سفر وزیر خارجه آلمان به پاکستان؛ افزایش فشار بر طالبان موضوع اصلی گفت‌وگوها



۸صبح، کابل: وزیر امور خارجه آلمان در یک سفر رسمی به اسلام‌آباد رفته تا در مورد روند تخلیه و افزایش فشار بر طالبان با مقام‌های پاکستانی گفت‌وگو کند.

آنالنا بائربوک، وزیر امور خارجه آلمان روز سه‌شنبه، ۱۷ جوزا، در یک سفر دوروزه وارد اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان شده است. او در این سفر با شهباز شریف، نخست‌وزیر و بلاول بوتو، وزیر امور خارجه پاکستان در مورد مسایل منطقه و افغانستان گفت‌وگو کرده است.

بائربوک همچنین با نماینده‌گان جامعه مدنی افغانستان و پاکستان دیدار خواهد کرد. وزارت خارجه پاکستان در بیانیه‌ای آلمان را شریک ارزشمند خوانده و گفته است که دو طرف به تقویت همکاری‌های دوجانبه

در زمینه‌های مختلف از جمله تجارت و سرمایه‌گذاری، انرژی، دفاع و ارتباطات مردمی اهمیت می‌دهند. به گزارش رسانه‌های آلمان، بائربوک تلاش دارد به‌خاطر رعایت حقوق بشر فشار بیشتری بر طالبان وارد کند و این یکی از موضوعات کلیدی گفت‌وگوهای وزیر خارجه آلمان با مقام‌های پاکستان است.

در همین حال، گزارش شده است که موضوع تخلیه همکاران افغان آلمان از طریق پاکستان از دیگر محورهای کلیدی بحث میان دو طرف است.

صلیب سرخ: بدون بسیج کامل جامعه جهانی بحران اقتصادی افغانستان مهار نمی‌شود



۸صبح، کابل: نماینده‌گی صلیب سرخ جهانی در افغانستان اعلام کرده است که بدون بسیج کامل جامعه جهانی نمی‌توان بحران اقتصادی در این کشور را مهار کرد.

لوی فیلیون، رییس صلیب سرخ جهانی در افغانستان روز سه‌شنبه، ۱۷ جوزا، در توییتی گفته است که عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی در افغانستان میلیون‌ها تن را به سوی فقر می‌کشاند.

آقای فیلیون با نشر تصویری از فروش اجناس منزل در کابل گفته است که مردم هنوز هم با فروش وسایل خانه‌های‌شان تلاش دارند لقمه نانی برای خانواده‌های‌شان پیدا کنند.

رییس صلیب سرخ جهانی در افغانستان خواستار بسیج کامل جامعه جهانی برای مهار بحران اقتصادی در این کشور شده است.

طالبان نظامیان پیشین را از خانه‌های شان بیرون می‌کنند

۶۶

منابع در ولایت جنوبی زابل می‌گویند که طالبان خواستار خروج نظامیان پیشین از برخی نقاط این ولایت شده‌اند. به گفته یک منبع در شهر قلات، مرکز زابل، نیروهای طالبان به دو ساحه «هزاره» و «حویلی» در این ولایت هجوم برده و به نظامیان پیشین دستور داده‌اند که خانه‌های شان را ترک کنند. این خانه‌ها در زمان جمهوریت به شکل «نمره سفید» به این نظامیان توزیع شده بود.



بالای خانه‌های شان حدود یک میلیون افغانی مصرف کرده‌اند. یک مرد کهن‌سال که هشدار کوچ‌نمده شدن دریافت کرده، به روزنامه ۸ صبح گفت که نمی‌تواند اموالش را به جای دیگر انتقال دهد و طالبان باید به آنان اجازه سکونت در خانه‌های شان را بدهند. او افزود: «حکومت پیشین به ما اجازه داده بود که روی ساخت این خانه مصرف کنیم. حالا طالبان از ما می‌خواهند که خانه‌ها را برای شان خالی کنیم. ما وسایل خانه و گل آن را به دوش کشیده نمی‌توانیم. من خودم روی ساخت این خانه ۱۰ لک افغانی مصرف کرده‌ام.»

هم‌زمان با این، در هرات نیز نظامیان پیشین با زور از خانه‌های شان کوچ‌نمده شده‌اند. باشنده‌گان ساحه فرقه (تأسیسات دولتی) واقع در این شهر می‌گویند که طالبان آنان را از خانه‌هایی که چندین سال در آن زنده‌گی کرده‌اند، با زور کوچ داده‌اند. به گفته نظامیان بی‌جا شده، طالبان در حال حاضر به نیروهای شان اجازه اقامت در آن خانه‌ها را داده‌اند. آنان تصریح می‌کنند که نمره‌های داده شده به آنان در اوایل مخروبه بود که سپس با اتکا بر معاش این نظامیان، ساخته شده است.

این در حالی است که شماری از این نظامیان فرصت انتقال وسایل خانه را نیز نداشته‌اند و شماری دیگر نیز هشدار مرگ دریافت کرده‌اند. هم‌چنان طالبان به این نظامیان اجازه کار را نیز ندادند و در این خصوص به موسسه‌های محلی هشدارنامه فرستاده‌اند. به گفته منابع، بیش‌تر این خانواده‌ها از ترس طالبان، به‌راحتی حاضر نمی‌شوند با رسانه‌ها گفت‌وگو کنند. طالبان محلی در زابل و هرات تاکنون در مورد این اقدامات افرادشان چیزی نگفته‌اند.

پیش از این، طالبان وعده داده بودند که زمینه عفو عمومی را برای نظامیان پیشین فراهم می‌کنند. با این حال، آنان از زمان تسلط دوباره‌شان بر افغانستان، شماری از نظامیان را شکنجه کرده یا کشته‌اند. در مواردی نیز برخی از نظامیان به دلیل تهدیدها و تعقیب از سوی طالبان، محل بودوباش شان را ترک کرده و به کشورهای همسایه رفته‌اند. گفتنی است که در حال حاضر براساس آمارها، هزاران کارمند و نظامی پیشین در برخی از نمره‌های توزیع شده خانه ساخته‌اند، یا در آپارتمان‌های توزیع شده از سوی حکومت قبلی، زنده‌گی می‌کنند.

جاهای دیگری منتقل کنند. او افزود: «طالبان زیر نام غصب ما را از خانه‌هایی بیرون می‌کنند که در حکومت قبلی اجازه سکونت در آن به ما داده شده بود. بالای این خانه‌ها مصرف کرده‌ایم و نمی‌دانیم که این‌همه وسایل را چگونه منتقل کنیم.»

محمد، باشنده قریه هزاره در قلات، نیز می‌گوید که در گذشته به‌عنوان پولیس وظیفه اجرا می‌کرد و براساس یک دستور، اجازه ساخت خانه در این محل را گرفته بود. او تصریح می‌کند که کارت عفو عمومی طالبان را نیز دریافت کرده، اما هم‌چنان طالبان به او هشدار کوچ‌نمده شدن داده‌اند. این باشنده زابل گفت که بدون این خانه سرپناهی ندارد و در کنار کار روزانه، در آن‌جا شب و روزش را می‌گذراند. به گفته محمد، او دیگر توان ندارد که سرپناهی فراهم کند و وسایل خانه‌اش را به آن‌جا انتقال دهد.

به گفته مردم محل، آنان در جریان این‌همه سال

کارمند پیشین دولتی در زمین‌های توزیع شده دولتی حضور دارند و زنده‌گی می‌کنند.

منابع در ولایت جنوبی زابل می‌گویند که طالبان خواستار خروج نظامیان پیشین از برخی نقاط این ولایت شده‌اند. به گفته یک منبع در شهر قلات، مرکز زابل، نیروهای طالبان به دو ساحه «هزاره» و «حویلی» در این ولایت هجوم برده و به نظامیان پیشین دستور داده‌اند که خانه‌های شان را ترک کنند. این خانه‌ها در زمان جمهوریت به شکل «نمره سفید» به این نظامیان توزیع شده بود. طالبان به خانواده‌های ساکن در آن‌جا گفته‌اند که در صورت ترک نکردن محل، با زور از ساحه کوچ‌نمده می‌شوند.

یک باشنده زابل روز سه‌شنبه، ۱۷ جوزا، به روزنامه ۸ صبح گفت که طالبان یک روز قبل به آنان در این مورد هشدار داده‌اند. به گفته وی، طالبان گفته‌اند که ساکنان این دو محل باید هرچه زودتر اموال شان را به

۸ صبح، کابل

طالبان در شماری از ولایت‌ها، از جمله هرات، نظامیان پیشین و خانواده‌های شان را کوچ اجباری داده و به جای آنان، نیروهای خود را جابه‌جا کرده‌اند. اکنون منابع در ولایت زابل نیز می‌گویند که طالبان در دو ساحه «هزاره» و «حویلی»، به نظامیان پیشین هشدار داده‌اند که هرچه زودتر ساحه را ترک کنند. به گفته مردم محل، طالبان گفته‌اند که نمرات توزیع شده مربوط دولت است و مالکان کنونی آن باید هرچه زودتر خانه‌های اعمار شده را به طالبان بسپارند. به گفته مردم محل، آنان به دستور حکومت پیشین این خانه‌ها را ساخته و بالای آن صدها هزار افغانی مصرف کرده‌اند. گفتنی است که طالبان در مواردی به خانواده نظامیان پیشین حتا اجازه انتقال وسایل خانه را نیز ندادند. براساس آمارها، هم اکنون هزاران نظامی و

وضعیت بد اقتصادی ورزشکاران:

۸ صبح، کابل

مدال آور افغان: پسر در کوچ‌های کابل آب می‌فروشد

ورزشکاران، محدودیت در برداشت پول از حساب‌های بانکی فدراسیون‌ها به منظور حمایت مالی از ورزشکاران و محرومیت از تمرین در برخی رشته‌های ورزشی، چالش‌های برجسته‌ای است که ورزشکاران مرد آن‌ها را سد راه خود می‌بینند. ورزشکاران زن اما از سوی طالبان کاملاً خانه‌نشین و از دور خارج شده‌اند.

با این حال، طالبان از تلاش‌ها برای رفع مشکلات ورزشکاران سخن می‌گویند. به گفته آنان، برنیاد وعده مقام‌های مرکزی این گروه، به‌زودی بودجه کافی برای حمایت از ورزش و ورزشکاران این ولایت در نظر گرفته خواهد شد.

ورزشکاران اما می‌گویند که براساس فرمان حامد کرزی، رییس جمهور پیشین افغانستان، با آن‌که قرار بود برای قهرمانان جهانی پول مشخصی داده شود، اما از آن زمان تاکنون این فرمان در روی کاغذ باقی مانده است. گفتنی است که از آغاز تسلط مجدد طالبان بر کشور، بیش‌تر ورزشکاران به دلیل وضعیت بد اقتصادی از ورزش دست کشیده و شماری از باشگاه‌های ورزشی نیز از فعالیت باز مانده‌اند. در کنار این، دروازه باشگاه‌های ورزشی دختران و زنان در کشور به دلیل وضع محدودیت از سوی طالبان، بسته شده است.

مردم افغانستان پس از خروج نظامیان امریکا و ناتو از کشور و رسیدن دوباره طالبان به قدرت، شب‌ها و روزهای بد و ناامیدکننده‌ای را سپری می‌کنند. با سقوط حکومت پیشین، همه چیز از هم فروپاشید، سرمایه‌ها نابود شد و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کشور را ترک کردند. وضعیت پیش‌آمده به‌طور مستقیم تاثیر منفی بر شهروندان کشور گذاشته است که خانه‌نشین شدن هزاران زن و مرد بخشی از آن است. پیش از آن تعداد زیادی از زنان و مردان در نهادهای دولتی و خصوصی مشغول به کار بودند و شمار زیادی هم شغل‌های غیردولتی داشتند و از طریق آن نیازهای خود و خانواده‌های شان را فراهم می‌کردند. شماری دیگر به ورزش می‌پرداختند. اکنون با وضعیت پیش‌آمده، بازار کار در کشور از بین رفته و کمک‌های خارجی متوقف شده است. مردم اکنون برای لقمه‌ای نان سرگردان هستند، تا جایی که حتا توان سیر کردن شکم خود و خانواده‌های شان را ندارند.



در کشور را نگران‌کننده عنوان کرده و خواستار رفع مشکلات در این عرصه هستند. یکی دیگر از ورزشکاران افغان به روزنامه ۸ صبح گفت: «وضعیت ورزش کشور امیدوارکننده نیست. ما فقط همان قدر تمرین می‌کنیم که دستاوردهای گذشته ما در این خصوص حفظ شود.»

با این حال، از دست دادن سفرهای ورزشی بیرون کشوری، مسدود بودن پروازها، عدم مشروعیت بین‌المللی حکومت طالبان، صادر نشدن ویزا برای

سه‌چرخه خود آب‌فروشی کند.

او تصریح کرد: «در حال حاضر در وضعیت بد اقتصادی به سر می‌برم. فعلاً پسر از طریق یک شرکت با سه‌چرخه‌اش در کوچ و پس‌کوچه‌های شهر کابل آب‌فروشی می‌کند. ورزش از خوشی می‌شود. وقتی که خوش نباشی، وقتی که پول در جیب نباشد، وقتی که مصارف خانواده را نداشته باشی، ورزش معنایی ندارد.»

در همین حال، شماری از ورزشکاران، وضعیت ورزش

یک ورزشکار افغان که برای افغانستان در رشته کاراته مدال جهانی کسب کرده است، از وضعیت بد اقتصادی‌اش شکایت دارد. او می‌گوید با آن‌که قهرمانی‌های زیادی برای افغانستان از کشورهای جهان کسب کرده است، اما پس از حاکمیت طالبان، از چندین مسابقات مهم جهانی به دور مانده و در وضعیت بد اقتصادی به سر می‌برد. وی، دلیل بازماندنش از مسابقات جهانی را نبود بودجه کافی در ریاست تربیت بدنی کشور عنوان می‌کند. او هم‌چنان می‌گوید که پسر نوجوانش نیز ورزشکار است و در حال حاضر در کوچ و پس‌کوچه‌های شهر کابل با استفاده از سه‌چرخه آب‌فروشی می‌کند. شماری دیگر از ورزشکاران هم، وضعیت ورزش را در کشور نگران‌کننده عنوان می‌کنند. با این حال، طالبان در اداره ورزش می‌گویند که تلاش‌ها برای رفع مشکلات این ورزشکاران ادامه دارد.

این ورزشکار که از قهرمانان جهانی رشته ورزشی است، حدود ۳۰ سال عمر خود را در جنگ‌زده‌ترین و فقیرترین کشور جهان یعنی افغانستان صرف ورزش کرده است. کشوری که در آن روزانه ده‌ها نفر برای یافتن لقمه‌ای نان فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند. وی اما قرار را ترجیح داده و در این مدت، قهرمانی‌های زیادی را به نفع افغانستان از کشورهای مختلف کسب کرده است. این ورزشکار در چند سال گذشته از کشورهای مختلف پنج مدال طلا، یک مدال نقره، دو مدال برنز، یک کپ جهانی و یک کپ بیست‌فایتری به نام افغانستان کسب کرده است. اما در حال حاضر، به گفته خودش این‌همه قهرمانی او به فراموشی سپرده شده است. وی می‌گوید که به دلیل نبود بودجه کافی در ریاست تربیت بدنی طالبان، در سال جاری از چندین مسابقه جهانی باز مانده‌اند.

او می‌افزاید: «مسال هم سه مسابقه بود، اما بنا بر تحولات سیاسی اخیر از مسابقات باز مانده‌ایم. زمانی که به تربیت بدنی برای اشتراک در این مسابقه اشتراک کردیم، آنان برای ما گفتند که بودجه کافی در اختیار نداریم تا خرج و مصارف‌تان را برای اشتراک در این مسابقات بپردازیم.»

وضعیت بد اقتصادی همانند بیش‌تر شهروندان کشور، دامن‌گیر این مدال‌آور جهانی نیز شده است. او می‌گوید که پسر وی نیز لقب قهرمانی دارد؛ اما جبر روزگار سبب شده که در کوچ و پس‌کوچه‌های شهر کابل با

جنایتهایی برای ثبت در تاریخ

افراد طالبان هیچ‌گامی احترام به حقوق بشری را بلد نبوده‌اند. حتا برخوردهای روزانه آنان در مخالفت صریح با دستگیری است که با اتکا بر آن، برای خود دکان باز کرده‌اند. در اسلام همواره بر اخوت و برادری تاکید و با اسیران جنگی رویه مناسب شده است. در جنگ‌ها تنها افراد درگیر به‌عنوان طرف جنگ شناخته می‌شوند و در صورت اسارت، با آنان نیز شبیه اسیر جنگی برخورد می‌شود.



عرفان امیری

است. هم‌چنان منابع تأیید کرده‌اند که پارچه‌های گوشت بدن انسان را در دریای پنجشیر دیده‌اند. این موارد و سایر قتل‌هایی که طالبان روزانه در جغرافیایی به نام پنجشیر انجام می‌دهند، بیانگر جنایات این گروه در قبال مردم عام است. افراد طالبان هیچ‌گامی احترام به حقوق بشری را بلد نبوده‌اند. حتا برخوردهای روزانه آنان در مخالفت صریح با دستگیری است که با اتکا بر آن، برای خود دکان باز کرده‌اند. در اسلام همواره بر اخوت و برادری تأکید و با اسیران جنگی رویه مناسب شده است. در جنگ‌ها تنها افراد درگیر به‌عنوان طرف جنگ شناخته می‌شوند و در صورت اسارت، با آنان نیز شبیه اسیر جنگی برخورد می‌شود. این در شرایطی

است که طالبان هم اکنون حتا با افراد بی‌گناه بدتر از اسیر جنگی برخورد می‌کنند. رویکرد طالبان نه‌تنها متناقض، بلکه متخالف با اصول دین اسلام است. کم‌ترین تحرک طالب در یک رویداد، لت و کوب است. به‌راحتی دست به تفنگ می‌برد و بدون اندکی تعقل، شلیک می‌کند. برای همین در دنیای معاصر، زبان طالب، تفنگ او است. در شرایط کنونی که هیچ قانونی تطبیق نمی‌شود، نمی‌توان جلو جنایات طالب را به این راحتی گرفت و قانع کرد که میان افراد بی‌گناه و طرف جنگ تفاوت وجود دارد. متأسفانه طالبان به تعهدات بین‌المللی‌ای که از سوی افغانستان تأیید شده و عضویت آن را دارد، پابند نبوده‌اند. آنان افراد بی‌گناه را با مشت و لگد می‌کشند و اسیران جنگی را

طالبان پس از آغاز حملات‌شان بر پنجشیر، شبیه ۲۰ سال جنگ‌شان، جنایات بشری متعددی را مرتکب شده‌اند. از زمان هجوم این گروه بر دره پنجشیر، شواهد و مدارک زیادی مبنی بر آزاروآذیت، شکنجه، تیرباران و کشتار گروهی غیرنظامیان در رسانه‌ها نشر شده است. به‌تازگی افراد طالبان نقش‌شان در قتل فجیع یک غیرنظامی در این ولایت را تأیید کردند. در ویدیویی که از جسد مقتول نشر شد، دیده می‌شود که همه اعضای بدن او، به‌ویژه پایین‌تنه‌اش از شدت لت و کوب، کبود شده است. اعضای خانواده مقتول گفته‌اند که وی زیر شکنجه شدید طالبان جان داده

آیا بدیلی برای امارت طالبانی وجود دارد؟

فواد پویا



تبلیغات گسترده و رعب و وحشت و توسل به خشونت برای قلع‌وقمع مخالفان و ایجاد یگانه‌گی و نفی دیگر کارگزاران سیاسی، به هیچ عنوان سبب پایداری و استحکام نظم امارتی در افغانستان نخواهد شد.

امارت خودخوانده طالبانی مشروعیت مردمی ندارد و در چهارچوب هیچ قانونی قابل تعریف نیست و از سوی دیگر، از راه غلبه و زور به قدرت رسیده و با تمرکز قدرت، انحصارگرایی و خودکامه‌گی، موجبات فساد، ستم و بی‌عدالتی را در کشور فراهم ساخته است. برای عبور از این مرحله، نیاز است روی ایجاد حکومت گذار و سپس حکومت فراگیر ملی و غیرمتمرکز که از بطن انتخابات شفاف و عادلانه بیرون خواهد شد و بدیلی برای حکومت ستمگر طالبانی است، برای برون‌رفت

از بحران کنونی توافقاتی صورت گیرد. این امر با فشار جامعه جهانی، همکاری کشورهای همسایه و تلاش سیاسیون و روشن‌فکران ممکن است؛ چون رژیم‌ی که از راه زور و خلاف اراده و میل مردم به قدرت رسیده باشد، سرانجام با زور از قدرت برانداخته خواهد شد. تبلیغات گسترده و رعب و وحشت و توسل به خشونت برای قلع‌وقمع مخالفان و ایجاد یگانه‌گی و نفی دیگر کارگزاران سیاسی، به هیچ عنوان سبب پایداری و استحکام نظم امارتی در افغانستان نخواهد شد. برعکس

سر می‌برند. در ساختار این گروه که شباهت زیادی به جنگل دارد، هر آن‌که چنگالش برنده‌تر باشد، بیش‌تر می‌دزد.

از سوی دیگر، در میان طالبان از اصول و قوانین خودساخته‌شان خبری نیست. رهبران آنان هیچ‌گونه اشرافی بر زیردستان‌شان ندارند و نمی‌توانند برخوردهای آنان را کنترل کنند. حتا دستور ملا هبث‌الله نزد جنگ‌جوی طالب بی‌ارزش است. هر طالبی در ذهنش یک قانون مختص به خود دارد و مطابق به برداشت شخصی‌اش عمل می‌کند. بیش‌تر طالبان با حقوق بشری بیگانه‌اند و از زبان زور در مراودات روزمره‌شان کار می‌گیرند. با توجه به همه این موارد، رخ دادن چنین جنایاتی از سوی گروه طالبان در هیچ حالتی دور از تصور نیست.

از شرایط واضح است که طالبان از تاریخ درس نگرفته‌اند. آنان از سقوط مرگبار و پناه بردن به مغاره‌های سرزمین دیگر هیچ‌گامی نیاموخته‌اند. این گروه در حال حاضر بدمست است و فکر روزهای بدش را نمی‌کند. روزگاری که امریکا حاکمیت قبلی طالبان را سرنگون کرد، هیچ فردی، حتا از ملیت پشتون، در کنار طالب قرار نگرفت. در آن زمان، افغانستان به طالب و دشمن طالب تقسیم شد. هرچند حملات هوایی را امریکا انجام داد، اما زمین را مخالفان طالبان تصفیه کردند. طالبان توسط همین افراد از جغرافیای افغانستان رانده شدند و دوباره برای برگشت به خانه، به همین افراد تقلا می‌کردند. اکنون پس از ۲۰ سال، طالب همان اشتباه را دوباره تکرار می‌کند و برایش دشمن می‌خرد. بدیهی است که ادامه این وضعیت، خیزش‌هایی را به دنبال دارد که پایان آن نابودی طالب خواهد بود. در آن صورت با تکرار دو دوره سیاه، طالب برای همیشه از ذهن مردم محو خواهد شد.

رژیم طالبان باید به یاد داشته باشد که تاریخ اکنون ناظر همه رویدادها است. در حال حاضر افغان‌ها با شیوه‌های زنده‌گی معاصر و حقوق بشری آشنایی دارند. زمان آن گذشته است که قساوت‌های طالبان از چشم همه پنهان بماند. در شرایط کنونی، هر شهروند یک خبرنگار است و رویدادها را برای ثبت در دل تاریخ مستند می‌سازد. گروه طالبان با دوام این‌گونه جنایات و قساوت‌ها، تنها جایگاهش به‌عنوان گروه جنایت‌کار و قس‌القلب را مستحقر می‌کند. بهتر است که آنان با برگشت به یک گفت‌وگوی سازنده برای شکل‌گیری حکومت مورد پذیرش شهروندان تن دهند، پیش از این‌که مردم به ستوه بیایند و صبرشان تمام شود.

کشور را به سوی جنگ قومی، افزایش مهاجرت و به تعبیر الکایر و فوستر به طرف فقر چندبعدی می‌کشاند. در تفکر طالبانی همه‌چیز به خیر و شر تقسیم می‌شود و حد وسطی هم وجود ندارد. بنابراین توسل به خشونت، اعدام و کشتار برای محو خصم، جزئی از منطق طالبانی به شمار می‌رود و می‌کوشند تا همین روحیه را در مردم تقویت و توجیه کنند؛ به‌گونه‌ای که همه در اخیر روز باور کنند قاطعیت نظم طالبانی وابسته به میزان خشونت، شقاوت و ویرانگری آن است و امارت طالبانی تنها رژیم‌ی است که در افغانستان کارایی خواهد داشت. هرچند وجود چنین گرایشی در بطن روایت طالبانی راه را برای استبداد و توتالیتریسم باز می‌کند، اما روند فوق اجتناب‌ناپذیر نیست. به میزانی که سطح فرهنگ، آگاهی و قدرت مردمی در شرایط امروزی بالا است، مصداق آن را نمی‌توان در گذشته دریافت. هم‌چنان گرایش آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی میان آحاد شهروندان کشور بیش‌تر شده و فرصت خوبی را برای جای‌گزینی نظم ستمگر و مطرود طالبانی فراهم کرده است. در این نوشته به روایت اشغال طالب به‌حیث واقعیت و در اخیر طرح بدیل برای امارت طالبانی می‌پردازیم.

امارت طالبانی و روایت اشغال

روایت طالبان از همان آغاز تا حالا، روایت جنگ در برابر اشغال بوده است. طالبان در آغاز برای سربازگیری و شورشگری و حالا برای توجیه مشروعیت امارت خودخوانده، تلاش دارند تا روایت اشغال و ختم آن را پیش بکشند. در حالی که حضور نیروهای خارجی در افغانستان قانونی و در چهارچوب قوانین بین‌المللی بود.

ادامه در صفحه ۵

در طول تاریخ، حکومت‌ها و رژیم‌های مختلفی بر جوامع انسانی حکم رانده و سرنوشت آن‌ها را رقم زده است. کشورهای جهان انواع مختلف حکومت‌ها و شیوه‌های متفاوت انتقال قدرت را تجربه کرده‌اند؛ از نظام شاهی مطلقه و استبدادی شروع تا نظام انتخابی و مبتنی بر آرا و اراده واقعی مردم. در عصر جدید، بحث انتقال مسالمت‌آمیز قدرت، عنصر و مؤلفه مهم دموکراسی و مردم‌سالاری پنداشته شده و به یک ارزش مشترک بشری میان کشورها مبدل شده است. همه بر این ملتفت‌اند که انتخابات یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال قدرت و مشارکت سیاسی در یک جامعه است که شهروندان به وسیله آن اراده خویش را در تعیین سرنوشت و شکل‌گیری نهادهای سیاسی ابراز می‌کنند. در این فرایند نه‌تنها امکان مشارکت شهروندان در قدرت سیاسی فراهم می‌شود، بلکه برای ارزیابی و نظارت از عملکرد مسوولان، زمینه فراهم می‌شود. اما گاهی انتخاب و برگزیده شدن مقام‌های عمومی و ایجاد و تشکیل حکومت - موقتا - از مجراهای قانونی و دموکراتیک آن ممکن نیست. کشورها برای این‌که مرحله بحران سیاسی، جنگ داخلی و حکومت‌های خودکامه گذشته را ترک بگویند و به آینده روشن دست یابند، تن به تشکیل حکومت عبوری یا گذار می‌دهند.

با مسلط شدن امارت طالبانی در کابل، مشروعیت نظام و حکومت مبتنی بر قانون اساسی با چالش‌ها و پرسش‌های بنیادین مواجه شده است. از یک سو

آیا بدیلی برای امارت...

با استناد به مباحثی که مطرح شد و با تکیه بر اصل تمرکززدایی، حکومتی که جای‌گزین امارت طالبی در افغانستان خواهد شد، بر مبنای اراده مردم و بر اساس قانون شکل خواهد گرفت.
حکومت بدیل، در آینده قادر خواهد بود تا با سپردن بخشی از مسوولیت‌هایش به شهروندان در قالب دولت‌های محلی، مشارکت واقعی در امور سیاسی - اداری را در سطح محل و در سطح کشور فراهم کند و از این طریق زمینه تعامل و تعاون میان دولت و شهروندان را فراهم آورد.

در نخستین روزهای ماه اکتبر ۲۰۰۱ میلادی، ایالات متحده آمریکا حملات هوایی را به افغانستان برای سرنگونی رژیم طالبان و شکست القاعده پس از حملات ۱۱ سپتامبر به راه انداخت. پس از آن‌که امارت نخستین طالبان سرنگون شد، ناآرامی و شورشگری در بخش‌هایی از افغانستان دوباره آغاز شد و شدت جنگ با ظهور مجدد طالبان و دیگر گروه‌های مسلح غیردولتی افزایش یافت. بالاخره در ۱۵ اگست ۲۰۲۱ طالبان توانستند برای بار دوم بر پایتخت و برخی دیگر از نقاط افغانستان از راه زور مسلط شوند. باور غالب در میان حقوق‌دانان این است که افغانستان پس از حملات نظامی نیروهای بین‌المللی، برخلاف عراق، هیچ‌گامی مورد اشغال قرار نگرفته است؛ چون حضور آمریکا و حملات نظامی آن کشور بر مواضع طالبان چه در آغاز و چه بعدها بر اساس رضایت حکومت برهان‌الدین ربانی بود که به‌گونه کامل مضمحل نشده بود و تعدادی از کشورها هنوز با آن حکومت، مراودات رسمی داشتند. آمریکا نیز با کسب رضایت و همکاری آن دولت، دست به حملات تهاجمی علیه امارت طالبان زد. افزون بر آن، حضور آمریکا و ائتلاف بین‌المللی بر مبنای تصمیم شورای امنیت سازمان ملل متحد، به‌ویژه قطع‌نامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ صورت گرفته است. مضافاً، آن‌گونه که اشغال یا Occupation در چهارچوب قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی تعریف و تحدید شده است، اشغال صرف در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی مورد نظر است، نه مخاصمات ملی؛ چون منازعه افغانستان با اتفاق آرای حقوق‌دانان از نوع دومی آن بوده است. در اخیر، توجیه مذهبی جنگ در برابر اشغال و استفاده ابزاری از دین، با هیچ بخشی از قواعد بین‌المللی سازگار نیست. خلاف آن، این رفتار در برابر حقوق بشر بین‌المللی، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و در کل منشور و قطع‌نامه‌های سازمان ملل متحد، قرار می‌گیرد.

حکومت مشروع و مردم‌سالار بدیلی برای امارت

یکی از روایت‌های بر ساخته امروزی این است که طالب واقعیت افغانستان و دلیلی برای ثبات است و برای امارت طالبانی که نظم مبتنی بر قانون اساسی را برانداخته است، جای‌گزینی وجود ندارد. این روایت با سه چالش جدی مواجه است: اول، طالب به دلیل انتسابش به یک قوم خاص و مذهب خاص، به هیچ صورت نمی‌تواند نماینده جامعه متکثر افغانستان باشد. در ضمن، روایت طالبانی به‌گونه روشن در برابر زن‌ها - نصف پیکر جامعه - قرار می‌گیرد. با توجه به نقش زنان در حکومت‌داری و استقرار و استمرار صلح، مشارکت زنان در سطوح تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی حیاتی است. ایستاده‌گی و صدای واحد زنان در برابر قشرگرایی طالبان، بیش از هر زمان دیگر نشان‌دهنده آن است که زن افغانستانی از بیداری و آگاهی برخوردار شده است.

دوم، از آن‌جایی که امارت طالبانی از نبود مشروعیت ملی و بین‌المللی رنج می‌برد، این امر سبب شده تا افغانستان دوباره مثل گذشته منزوی شود و دستاوردهایی که در جریان بیست سال گذشته به دست آمده، پی‌هم از میان برود. از آن‌جایی که هر نظام سیاسی صرف نظر از این‌که دموکراتیک باشد یا اقتدارگرا باید از سطح معینی از مشروعیت برای تداوم و استمرار برخوردار باشد، ایسترن و برادی، از نظریه‌پردازان مشهور مشروعیت سیاسی، باور دارند که ادعای مشروعیت یک رژیم برای توضیح ابزار حکومت و به نوبه خود دوام آن خیلی حیاتی پنداشته می‌شود؛ زیرا تکیه بر سرکوب به تنهایی به‌عنوان ابزاری برای حفظ و دوام حکومت استبدادی، بسیار پرهزینه است. از سویی هم، برای این‌که ثابت شود یک نظام سیاسی برای ایجاد و حفظ این باور که نهادهای سیاسی موجود، مناسب‌ترین و موثرترین نهادها برای جامعه هستند، لازم است تا به قول لی‌پست - از مشروعیت سیاسی و حقوقی - برخوردار باشند. از این رو، ادعای مشروعیت،

یک رژیم را قادر می‌سازد تا حق حاکمیت خود را حفظ کند و در برابر بحران‌های سیاسی - اقتصادی و مداخلات خارجی دوام بیاورد. با در نظر داشت رفتار و اقدامات پسین، بعید به نظر می‌رسد که طالب، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، بتواند مشروعیت کسب کند؛ چون ذات طالب و تفکر طالبانی بر زور و ستم بنا گذاشته شده است.

سوم، با پیچیده‌تر شدن اداره امور در نهادهای سیاسی - حقوقی، ویژه‌گی‌های دولت‌های مدرن و امروزی نیز دچار تغییر ماهوی و عملکردی شده است. مشارکت مردم در ساختار مدیریتی و تصمیم‌سازی دولت‌ها، مهم‌ترین اصل پنداشته می‌شود و وظایف سنتی دولت‌ها از امنیت عمومی، حفظ نظم و اخذ مالیات به سوی برنامه‌ریزی و مسوولیت‌پذیری متحول شده است. بر همین مینا، ساختار سیاسی و اداری دولت نیز دچار دگرگونی شده و وظایف آن متعدد و پیچیده گردیده است. از آن‌جایی که فلسفه وجودی امارت طالبانی غیرمشارکتی و بر بنیاد سلطه دولت بر نظام تولید و توزیع ثروت، برنامه‌ریزی بسته و متمرکز، نظام بروکراتیک کهنه، عدم تفویض صلاحیت به محلات و ناکارآمدی در پاسخگویی به مردم استوار است، به هیچ صورت نمی‌تواند حکومت‌داری خوب و شایسته ارایه کند.

از سویی هم، طالب باور دارد که برای تامین وحدت در داخل و پیش‌گیری از خطرات تجزیه و حفظ منافع همه‌گانی و سراسری، بهترین شیوه حکومت‌داری، نظام متمرکز اداری پنداشته می‌شود. در حالی که آهسته‌آهسته با توجه به گرایش دولت‌ها به سوءاستفاده از قدرت سیاسی - اداری و عدم تمایل آن‌ها به سپردن اختیارات تصمیم‌گیری به شهروندان، مساله تمرکززدایی جانشین تمرکزگرایی شده است. تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که مرکز ثقل تصمیم‌گیری‌ها در نظام‌های متمرکز، در همه سطوح به دست افراد معدودی بوده است. این امر سبب می‌شود که احتمال مشارکت و رقابت سیاسی کاهش و کنترل چند فرد بر منابع قدرت افزایش یابد. ظاهراً طالبان تمرکز قدرت را برای استمرار حکومت‌شان در نظر دارند؛ اما این امر قطعاً مانع جدی در برابر مشارکت شهروندان و اثرگذاری مردم در اداره امور پنداشته می‌شود. به همین دلیل، تمرکزگرایی و انحصارطلبی طالبان در کشوری چندقومیتی مانند افغانستان، سبب می‌شود تا راهی رفته دوباره پیموده شود.

بنابراین، برای جلوگیری از بحران فراگیر بشری و پیش‌گیری از ستم و بیداد، پیشنهاد می‌شود تا دولت

از قبضه و مالکیت محض طالب بیرون شده و طالب مثل گروه‌ها و کارگزاران سیاسی دیگر، بخشی از دولت باشد، نه کل دولت. با استفاده از فرصت تاریخی پیش‌آمده، نظام سیاسی - اداری که جای‌گزین نظم امارتی در افغانستان می‌شود، باید ملی و مردمی باشد و از چنگال قشرگرایی و روایت طالبانی بیرون آید.

پیشنهادات

با استناد به مباحثی که مطرح شد و با تکیه بر اصل تمرکززدایی، حکومتی که جای‌گزین امارت طالبی در افغانستان خواهد شد، بر مبنای اراده مردم و بر اساس قانون شکل خواهد گرفت. حکومت بدیل، در آینده قادر خواهد بود تا با سپردن بخشی از مسوولیت‌هایش به شهروندان در قالب دولت‌های محلی، مشارکت واقعی در امور سیاسی - اداری را در سطح محل و در سطح کشور فراهم کند و از این طریق زمینه تعامل و تعاون میان دولت و شهروندان را فراهم آورد. بدیهی است که این امر سبب خواهد شد تا اعتماد میان دولت و احاد جامعه ایجاد و منجر به تاسیس یک دولت ملی و فراگیر شود. البته هر نوع توافق سیاسی که مردم‌نهاد، محلی‌گرا و غیرمتمرکز و در راستای برقراری عدالت اجتماعی و توزیع برابر فرصت‌ها نباشد، شکننده و منجر به بروز اختلافات تازه‌ای خواهد شد.

در نتیجه، برگزاری انتخابات و بحث روی قانون اساسی جدید و برای ختم جنگ و صلح پایدار نیاز است تا روی حکومت‌گذار و مکانیسم آن بحث و گفت‌وگو آغاز شود. بهترین شیوه، تدویر کنفرانس بین‌المللی است که در آن شورای امنیت سازمان ملل متحد و کشورهای بزرگ و ذی‌نفع، تضمین‌کننده باشند تا از یک طرف مشروعیت داخلی و از سوی دیگر مشروعیت بین‌المللی اعاده شود. مدلی که این‌جا برای دوره گذار پیشنهاد می‌شود، چیزی شبیه مدل کشور لیبیا است که در آن سطح رهبری به‌شکل شورایی با وظایف محدودی چون تعدیل قانون اساسی، برگزاری انتخابات و خلع سلاح و سطح خدمت‌رسانی آن به صدراعظم واگذار شود. این مدل سبب می‌شود تا اعتماد ایجاد شود و مبنایی باشد برای مباحث تمرکززدایی در چهارچوب نظم جدید و قانون اساسی جدید که در آن همه چیز از نو تعریف خواهد شد. البته در دوره پس از گذار، گستره اقتدار دولت، مشروعیت دولت، کیفیت انتخابات و نظام انتخاباتی که نقش آن در گزینش افراد، میزان مشارکت شهروندان اعم از زن و مرد، تقویت نظام حزبی، ثبات سیاسی و کارآمدی نظام بیش از هر مساله دیگر مورد توجه جدی صورت گیرد.

افغانستان!

گوشه‌ای تاریک از جهانی روشن

در این بیست سال، تمام نیروی فکری سیستم آموزش و پرورش بیهوده خرج شد و نهادهای علمی نتوانستند به اهداف اساسی آموزش و پرورش برسند. تولید علم و فناوری، روش کنترل جامعه و مدیریت آن و تولید نظام دانایی و خرد نقادی که از اهداف اساسی آموزش است، در افغانستان رشد نکرد و این باعث شد که کشور در تمامی عرصه‌ها عقب‌گرد شدید داشته باشد.

دینی، آن هم از نوع طالب و داعش، از سیستم آموزش و پرورش نهادهای آکادمیک علمی کشور بیرون می‌شوند. از این رو بیست سال تلاش برای احیای جایگاه علمی کشور، جایی را نگرفت و در نهایت سطح آگاهی آن‌چنان رشد نکرد که آینده کشور را در اذهان عمومی ترسیم و از گسست نظام جلوگیری کند.

در این بیست سال، تمام نیروی فکری سیستم آموزش و پرورش بیهوده خرج شد و نهادهای علمی نتوانستند به اهداف اساسی آموزش و پرورش برسند. تولید علم و فناوری، روش کنترل جامعه و مدیریت آن و تولید نظام دانایی و خرد نقادی که از اهداف اساسی آموزش است، در افغانستان رشد نکرد و این باعث شد که کشور در تمامی عرصه‌ها عقب‌گرد شدید داشته باشد.

اما حالا که گروه طالبان بر وضعیت حاکم شده است، اساساً توقع برخورد عاقلانه و دوراندیشانه از آن‌ها بی‌جا است. اصولاً طالبان با استراتژی محرومیت و تاریکی، بر کشور غلبه کرده‌اند و این تنها روشی است که آن‌ها را کمک می‌کند تا حاکمیت‌شان را مستحکم‌تر سازند. از این رو، طالبان با هر چه نشانه کار و تدبیر است، سر جنگ و ستیز را در پیش می‌گیرند و با تمام فناوری و

ساخت. با این روش، انسان‌ها با استفاده از سامانه‌های مبتنی بر شبکه‌های عمیق عصبی جهانی، فراتر از حواس پنج‌گانه زیست خواهند کرد.

قلب تپنده توسعه و فناوری را در هر مملکتی قدرت آموزش و پرورش آن شکل می‌دهد که در واقع قوه محرک تمام جوامع است؛ اما افغانستان در چند دهه پسین همواره تحت سیطره روحانیون قرار گرفته است که دغدغه اصلی و اساسی آنان نحوه حجاب، درازی ریش و تطبیق خوانش گروهی و جناحی از شریعت اسلامی است. آن‌ها هیچ‌گاه مجالی برای تفکر درباره علم و دانش نداشته‌اند. از همین رو است که کشور همواره در مدرن‌سازی سیستم آموزشی ناتوان بوده و بین شریعت و دانش عصری نوین جمع نتوانسته‌اند.

تمام نیروگاه اصلی سیستم تدریسی در افغانستان بر محور احکام شرعی و الاهی چرخیده است که در واقع هر دو دانش از دست دانش‌آموزان و مراکز آموزشی رفته است. استعدادها در هم آمیخته شده است تا در نهایت خروجی آن هم‌سان و در عین حال هم‌نوا با آموزه‌های اسلامی باشد. گاه این آمیخته‌گی به حدی بوده که به جای کدرهای عرصه فناوری، تحصیل‌یافته‌گان علوم



سیدمحمد هاشمی

دنیا بعد از سپری کردن عصر اطلاعات، به نظر می‌رسد در نقطه شروع تحولی دیگر است که عصری بزرگ آینده را رقم خواهد زد؛ عصری که ویژه‌گی‌ها و خصلت‌های انسانی با سامانه‌های اطلاعاتی و در عین حال محاسباتی و پردازشی درهم خواهد آمیخت و انسان‌ها را نه‌تنها در فکر کردن کمک خواهد کرد، بلکه قدرت تفکری انسانی را متعالی‌تر و ژرف‌تر خواهد

توسعه به‌شدت مخالفت می‌کنند تا در تاریکی آن بقای خود را جست‌وجو کنند.

مانفیسیتی که از سوی طالبان به نشر رسیده، استراتژی دشمنی این گروه با توسعه و فناوری و در راس همه آموزش و پرورش است. روشی که در این مانفیسیت برای آموزش تعریف شده است، نشان می‌دهد که افغانستان چه روزهای سخت، دردناک و تاریکی را خواهد پیمود. اساساً این مانفیسیتی که از سوی مهم‌ترین مرجع طالبان نگارش یافته، نشان می‌دهد که طالبان در قرن‌ها پیش گیر مانده‌اند و از دنیای جدید کم‌ترین آگاهی و بهره‌ای ندارند. زنان که جهت‌دهنده فرهنگ در یک جامعه هستند و پویایی دانش در یک سرزمین را با تربیت کودکان رقم می‌زنند، مطابق قاعده تعریف شده از سوی طالبان باید در حصر شریعت طالبانی بمانند. از طرف دیگر، آموزش و پرورش مطابق روایت طالبان همه باید از مجرای دین صورت گیرد؛ یعنی به زعم این گروه دانش اصلی احکام شرعی و اسلامی است که باید تمام امکانات در اختیار آن قرار گیرد. آن‌ها بخشی بسیار کوچک را - بر فرض نیازمندی - به دانش نوین اختصاص داده‌اند. این جزئی بودن هم ظاهراً به دلیل مصالح سیاسی آورده شده است؛ زیرا با بخش‌های دیگر این مانفیسیت و در کل روش طالبانی، هیچ سازگاری ندارد.

در واقع طالبان دانش را در جامعه به بند می‌کشند تا از این بابت دغدغه روزافزون نداشته باشند. تخریب سیستم آموزش و پرورش، تنها به این سیستم صدمه نمی‌زند، بلکه به معنای فلج‌سازی کل جامعه است. اساساً تمام نگرانی‌ها باید از این ناحیه بوده باشد. افق امیدبخش یک جامعه، فقط و فقط نظام آموزش و پرورش است که با دانش مدرن روز ملبس باشد؛ اما مانفیسیت طالبان دقیقاً بر این افق پرده انداخته است. سخن آخر این‌که جامعه بدون دانش، مرده است و امکان ندارد توسعه بدون دانش روز رقم بخورد.

قاضی القضاة طالبان، زنان و ننگ افغانی؛ «چو بیرون شد از خانه در گور باد»

قاضی زاده



دشمنان اسلام اعم از کفار و منافقان به نیکویی این نکته را دریافته‌اند که به انحراف کشاندن زنان، از مهم‌ترین ابزارها برای نابودی خانواده و به فساد کشاندن شدن جامعه است. لذا همه توش‌وتوان خود را به کار می‌گیرند تا زنان را از خانه بیرون بیاورند و حیا و حجاب‌شان را از آنان بگیرند. (ص ۲۳۹-۲۴۰)

عبدالحکیم حقانی به نقل از صاحب روح‌البیان می‌آورد که یک تن از همسران حضرت رسول به نام سوده بنت زمعه تا زنده بود، هیچ وقت از حجره‌اش بیرون نشد، نه به خاطر گزاردن نماز و نه به منظور ادای مناسک حج و عمره، تا این که جنازه‌اش را از آن حجره بیرون آوردند. حقانی این بیت سعدی در بوستان را به نقل از روح‌البیان می‌آورد: ز بیگانه‌گان چشم زن کور باد - چو بیرون شد از خانه در گور باد. (ص ۲۵۰)

در خصوص آموزش زنان، باید میان اصل آموزش و چگونگی آن تفاوت قایل شد. تردیدی نیست که آموزش برای زنان جایز است، بلکه از آن بالاتر، دانستن واجبات دینی بر وی واجب است. در زمان پیامبر اسلام نیز زنان آموزش می‌دیدند. برای زنان یاد گرفتن نوشتن هم جواز دارد. اما آموزش خواندن و نوشتن باید در خانه و از طریق محارم صورت گیرد، نه در مکتب و دانشگاه. وقتی می‌بینیم براساس اقوال فقیهان، باید زن در خانه و اگر امکانش فراهم بود در پستوی خانه نماز بگذارد، معلوم است که آموزش مهم‌تر از نماز نیست و نباید وی به بهانه آموزش به بیرون از خانه قدم بگذارد. اگر ناگزیر شود از خانه بیرون برود، باید معلمش زن باشد و اگر این کار ممکن نبود، باید میان معلم و دانش‌آموز یا دانشجوی زن پرده‌ای کشیده شود. (ص ۲۵۴)

آنچه گفته شد، مربوط می‌شد به فراگیری علوم ضروری دینی. در خصوص علوم دنیوی باید گفت، زن می‌تواند رشته‌هایی را انتخاب کند که درخور شأنش باشد، مثل پزشکی و خیاطی؛ اما در رشته‌های کیمیا و هندسه و مانند آن‌ها نیازی به زنان نیست و مردان به تنهایی می‌توانند ضرورت‌های جامعه در این عرصه‌ها را تأمین کنند. (ص ۲۶۲)

با این حساب، طبیعی است که تعلیم مختلط در مکاتب و دانشگاه‌ها مطلقاً حرام است. این کار علاوه بر این که خلاف ارزش‌ها و آموزه‌های اسلام است، غیرت و ننگ افغانی نیز هرگز آن را برنمی‌تابد. (ص ۲۶۳)

دختری که پا به نُه‌ساله‌گی می‌گذارد، حکم دختر بالغ را دارد و همه محدودیت‌هایی که بر دختر بالغ اعمال شدنی است، بر وی هم اعمال می‌شود. (ص ۲۷۵)

کسانی پیدا شده‌اند که به نام حقوق و آموزش زنان، می‌خواهند فتنه‌پراکنی کنند. (ص ۱۵۱)

زنان نه تنها در سیاست نباید وارد شوند، بلکه حتی حق ندارند برای ادای عبادت به مساجد بروند. وقتی زنان اجازه نداشته باشند به مسجد بروند، تکلیف رفتن‌شان به بازار و دفت‌های دولتی روشن است. (ص ۱۵۲)

قرآن در سوره نور زنان را به پرهیز از چشم‌چرانی و زنا دستور داده است. مشخص است که زنا از طریق زمینه‌های حاصل می‌شود. رفتن به دفاتر دولتی و اختلاط زنان و مردان، از اسباب عمده شکل‌گیری روابط نامشروع است؛ چون وقتی زن به دفتر قدم گذاشت، حتماً با مردان گفت‌وگو می‌کند و همین امر زمینه‌ساز کارهای دیگر خواهد شد. بهترین شیوه رعایت حجاب برای زن، این است که در کنار پوشاندن همه جسم و چهره‌اش، در خانه بماند و از نامحرمان به کلی دور باشد. (ص ۱۵۳)

مردان بر زنان از جنبه‌های مختلف برتری دارند: در دانش، در عقل و حزم، در توانایی جسمی و روحی. به همین جهت است که پیامبران فقط از میان مردان مبعوث شده‌اند، امامت کبرا و صغرا به مردان موکول شده، جهاد و آذان و خطبه و شهادت نیز کارهایی است مردانه. (ص ۱۵۵)

از جمله ویژه‌گی‌های عضو شورای اسلامی، مذکر بودن است؛ چرا که خداوند میان زن و مرد در خلقت و توانایی مساوات برقرار نکرده است. از همین رو، مسوولیت‌هایی را برعهده مرد گذاشته که مناسب وی است و کارها و وظایفی را به زن سپرده که مخصوص او است؛ مثل توجه به کارهای خانه و تربیت فرزندان. روی این جهت است که می‌بینیم پیامبری ویژه مردان است. با این حال،

سخن نویسنده‌گانی که متأثر از افکار غربی شده‌اند و از ضرورت شرکت زنان در پارلمان‌ها و مجالس عامه سخن می‌زنند و مدعی‌اند که این حقوق را اسلام برای آن‌ها قایل شده، ارزشی ندارد؛ چرا که این افراد از عینک شفاف اسلام به مسائیل زنان نگاه نمی‌کنند، بلکه با الهام‌گیری از مکتب‌های ملحد شرقی و غربی در این باره اظهار نظر می‌کنند. (ص ۱۴۸)

اهل حل‌وعقد کسانی‌اند که تحت شرایطی خاص می‌توانند اقدام به گزینش خلیفه و بیعت با او کنند. از نظر حقانی، زنان هرگز نمی‌توانند عضو شورای اهل حل‌وعقد باشند. دلیلش هم این است که در صدر اسلام در این زمینه از زنان نظر خواسته نمی‌شد. اگر قرار بود از زنان درباره موضوعات سیاسی مشورت گرفته شود، فاطمه، دختر پیامبر، و همسران پیامبر از دیگر زنان برتر بودند؛ اما هیچ‌کسی از آن‌ها در این باب نظر نخواستند. زنان از این نظر هم در کار حل‌وعقد دخالت نباید داده شوند که نمی‌توانند با چالش‌ها به درستی مقابله کنند و تصمیم‌های بزرگ بگیرند و نظرات محکم و استوار ارایه کنند. از همین جهت، اکثریت علما به این باورند که زن نمی‌تواند بدون اجازه ولی و سرپرست، حتی اقدام به ازدواج کند. (ص ۱۴۸)

سیاسی مشورت گرفته شود، فاطمه، دختر پیامبر، و همسران پیامبر از دیگر زنان برتر بودند؛ اما هیچ‌کسی از آن‌ها در این باب نظر نخواستند. زنان از این نظر هم در کار حل‌وعقد دخالت نباید داده شوند که نمی‌توانند با چالش‌ها به درستی مقابله کنند و تصمیم‌های بزرگ بگیرند و نظرات محکم و استوار ارایه کنند. از همین جهت، اکثریت علما به این باورند که زن نمی‌تواند بدون اجازه ولی و سرپرست، حتی اقدام به ازدواج کند. (ص ۱۴۸)

سخن نویسنده‌گانی که متأثر از افکار غربی شده‌اند و از ضرورت شرکت زنان در پارلمان‌ها و مجالس عامه سخن می‌زنند و مدعی‌اند که این حقوق را اسلام برای آن‌ها قایل شده، ارزشی ندارد؛ چرا که این افراد از عینک شفاف اسلام به مسائیل زنان نگاه نمی‌کنند، بلکه با الهام‌گیری از مکتب‌های ملحد شرقی و غربی در این باره اظهار نظر می‌کنند. (ص ۱۴۸)

در سیرت پیامبر گرامی اسلام و خلفای راشدین نکته‌ای وجود ندارد که نشان دهد زنان در آن دوران در میدان سیاست فعال بوده‌اند. تنها کاری که پیامبر اسلام انجام داده، بیعت با زنان بدون مصافحه بوده است. گاهی هم زنان در جنگ‌ها در کنار مردان می‌ایستاده‌اند؛ اما تا ضرورت ایجاد نمی‌کرده، در جنگ شرکت نمی‌ورزیده‌اند، بلکه فقط اقدام به درمان زخمیان و آبرسانی به تشنه‌گان می‌کرده‌اند.

اگر کسی شرکت حضرت عایشه در جنگ جمل و رهبری آن جنگ را مستند بسازد، برای اثبات این که سپردن کارهای بزرگ به زنان اشکال شرعی ندارد، در پاسخ باید گفت، قطعاً عایشه بر شترش در هودج نشسته بود و کسی او را نمی‌دید و صدایش را نیز نمی‌شنید. این واقعه بیانگر رهبری لشکر مسلمانان توسط یک زن نیست. اصلاً ایشان به قصد میانجی‌گری میان لشکر علی و لشکر معاویه از خانه بیرون شده بود؛ اما از روی تصادف جنگ رخ داد. عایشه برای رهبری جنگ بیرون نشده بود، بلکه هدفش اصلاح ذات‌البین بود. (ص ۱۵۰)

نظام خدایی بر این اساس استوار است که زن مشغول زاییدن پسران و دختران و تربیت آنان در خردسالی باشد. این کار از وظایف اختصاصی زنان است. مرد بیرون از خانه در عرصه‌های زراعت یا صنعت یا تجارت یا کارمندی حکومت اشتغال می‌یابد و نفقه عیالش را تأمین می‌کند. اکنون

اخیراً مولوی عبدالحکیم حقانی، قاضی القضاة طالبان، کتابی به زبان عربی منتشر کرده به‌عنوان «الإمارة الإسلامية و نظامها» و در آن کوشیده نظام سیاسی و اداری ایده‌آل گروه طالبان را به تفصیل بیان کند. انتشار این کتاب، در شبکه‌های اجتماعی به مناقشاتی دامن زده و عکس‌العمل‌هایی را برانگیخته است. مولوی حقانی یکی از علمای برجسته و شاخص گروه طالبان است و دیدگاه‌های دینی‌اش «فصل الخطاب» دانسته می‌شود. این کتاب از این نظر هم حایز اهمیت است که رهبر طالبان و علمای برجسته مذهبی وابسته به این گروه، بر آن تقریظ نوشته و آن را مورد تأیید قرار داده و ستوده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که این کتاب به نوعی بیان نظرات طالبان در خصوص سیاست شرعی و نظام اسلامی است.

در این میان، هر وقت نام طالبان گرفته می‌شود، موضوع برخورد سخت‌گیرانه گروه مزبور با زنان به یادها می‌آید. در کتاب مولوی حقانی نیز بارها به مسأله زنان پرداخته شده و با جزئیات در خصوص جایگاه زنان در نظام سیاسی مورد نظر طالبان حرف زده شده است. روی این حساب، مناسب دیدم خلاصه بیانات عبدالحکیم حقانی را درباره جایگاه زنان در جامعه اسلامی در این‌جا بیاورم تا خواننده به‌آسانی بتواند در این زمینه به جمع‌بندی برسد. این دیدگاه‌ها به‌صورت پراکنده و در جاهای مختلف کتاب آمده است. از نقاط تمایز این کتاب این است که مؤلف به‌روشنی دیدگاه‌هایش را بیان کرده و محلی برای حدس و گمان و شک‌وت‌تردید باقی نگذاشته و کار تحلیل‌گران را آسان ساخته است.

از نظر تیورسیسین بلندآوازه طالبان، جای اصلی زنان خانه است و آن‌ها باید پوشیده و دور از انظار زنده‌گی کنند. سپردن امور مملکت به آن‌ها، منافی با مستور بودن آن‌ها است و «مردمی که کارشان را به زنان واگذار کنند، رستگار نمی‌شوند». سرشت زن طوری ساخته شده که با عهده‌داری کارهای خطیر سازگار نیست؛ چرا که زن ناقص‌العقل و ناقص‌الدین است. (ص ۸۰-۸۱)

با این‌همه، اسلام جایگاه زن را پاس داشته و برای صیانت از او، سفارش کرده که در خانه و در میان فرزندان زنده‌گی کند. زن ناتوان است و نمی‌تواند از خود دفاع کند، چه رسد به این که با برعهده‌گیری رهبری مسلمانان از دیگران به دفاع بپردازد. از همین جهت است که اهل علم بر این امر اجماع کرده‌اند که سپردن سیمت امامت به زن، روا نیست. (ص ۸۱)

پیامد سپردن امور کشوری به زنان، این است که مجبور می‌شوند با مردان اختلاط کنند، حال آن که شارع از این کار نهی کرده است. نیز بیرون آمدن زن از خانه، سرپیچی از دستور خدا دایر بر لزوم ملازمت خانه است. هرچند این دستور خطاب به همسران پیامبر اسلام صادر شده، لیکن حکم آن شامل همه زنان گیتی می‌شود. (ص ۸۱)

سپردن کارهای بزرگ به زنان، مستلزم نقض اصل دینی دیگر نیز است. بنا بر نص قرآن، مردان بر زنان سرپرست و قیّم‌اند، ولی اگر کارهای کشوری به زنان سپرده شود، وضعیت معکوس و موازین شریعت وارونه می‌شود. مردان از این جهت قیّم زنان هستند که هم از نظر نیروی جسمی و از هم از لحاظ توانایی عقلی و استعداد دینی، برتر از زنان هستند. (ص ۸۲)

اهل حل‌وعقد کسانی‌اند که تحت شرایطی خاص می‌توانند اقدام به گزینش خلیفه و بیعت با او کنند. از نظر حقانی، زنان هرگز نمی‌توانند عضو شورای اهل حل‌وعقد باشند. دلیلش هم این است که در صدر اسلام در این زمینه از زنان نظر خواسته نمی‌شد. اگر قرار بود از زنان درباره موضوعات



تیم‌های فوتبال آلمان و انگلستان به تساوی ۱ بر ۱ دست یافتند



تیم‌های فوتبال آلمان و انگلستان در اولین دیدار گروهی رقابت‌های ملت‌های اروپا، به تساوی ۱ بر ۱ رضایت دادند. تیم فوتبال انگلستان در اولین دیدار گروهی رقابت‌های ملت‌های اروپا، تیم فوتبال آلمان را شکست داد. این دیدار سه‌شنبه شب، ۷ جون، در شهر مونیخ آلمان برگزار شد. هر دو تیم در نیمه اول بازی موقعیت‌هایی بالای دروازه یک‌دیگر خلق کردند، اما هیچ تویی از خط دروازه‌ها عبور نکرد و دو تیم با تساوی به رخت‌کن رفتند.

در نیمه دوم بازی، آلمان بازی را توفانی آغاز کرد و در دقیقه ۵۰ توسط جوناس هافمن به گول دست یافت. انگلستان در دقایق آخر بازی به پنالتی دست یافت و هری کین پنالتی را به گول تبدیل کرد تا هر دو تیم امتیازها را تقسیم کنند. این دو تیم در گروه C رقابت‌های ملت‌های اروپا قرار دارند. در بازی هم‌زمان از این گروه ایتالیا با نتیجه ۲ بر ۱ تیم هنگری را شکست داد.

ایجاد محدودیت سنی در بازی‌های اسکیت المپیک



اتحادیه بین‌المللی اسکیت اعلام کرده است که پس از این اسکیت‌بازان ۱۷ ساله می‌توانند در بازی‌های اسکیت المپیک اشتراک کنند. این تصمیم روز سه‌شنبه، ۷ جون، در نشست‌های در ایرلند با ۱۰۰ رأی موافق در مقابل ۱۶ رأی مخالف و دو رأی سفید، به تصویب رسید. این تصمیم چند ماه پس از آن گرفته شد که کامیلا والیوا، اسکیت‌باز روسی ۱۵ ساله، در بازی‌های المپیک زمستانی بیجینگ عمل دوپینگ را انجام داده بود که سبب آسیب رساندن به دیگر اسکیت‌بازان شد. این اتحادیه تأکید کرده است که این حرکت تلاشی برای محافظت از «سلامت جسمی و روانی و رفاه عاطفی» اسکیت‌بازان است. اتحادیه بین‌المللی اسکیت گفته است که این تغییر تدریجی خواهد بود و برای مسابقات فصل ۲۰۲۲-۲۰۲۳ تغییری ایجاد نخواهد شد؛ اما باید در سال‌های ۲۰۲۳-۲۰۲۴، اسکیت‌بازان ۱۶ سال داشته باشند و در رقابت‌های فصل ۲۰۲۴-۲۰۲۵، ۱۷ سال سن الزامی خواهد شد. قرار است این محدودیت سنی جدید و بالاتر برای المپیک زمستانی بعدی، در میلان و کورتینا ایتالیا، در سال ۲۰۲۶ به‌صورت جدی اعمال شود.

جبهه مقاومت ملی آغاز فصل جدید در افغانستان است؟

بدون حمایت بین‌المللی، چالش عمده‌ای که این گروه‌ها با آن روبه‌رو هستند، رقابت بین‌گروهی است. این رقابت درونی، آن‌ها را از اجرای حملات تهاجمی باز می‌دارد. به جز جبهه مقاومت ملی، چندین گروه مقاومت دیگر نیز تلاش‌های خود را برای جنگ در مناطق تحت نفوذ خود متمرکز کرده‌اند.

نویسنده: Siddhant Kishore



طرف نتوانستند به نتایج دلخواه خود دست یابند. خلاف دهه ۱۹۹۰، زمانی که مقاومت از حمایت بین‌المللی بازیگران اصلی مانند ایران، هند، عربستان سعودی و ایالات متحده برخوردار بود، اکنون ایران به دلیل نقشش در دامن زدن به شورش‌ها مورد انتقاد قرار می‌گیرد، در حالی که هند عمدتاً در بازی افغانستان غایب است. ایالات متحده با اندکی انگیزه برای تعامل منطقه‌ای، فصل خود را در افغانستان بسته است. با این صورت مقاومت ملی در غیبت حمایت بین‌المللی خود را در برابر طالبان منزوی و ناآماده می‌بیند.

نیاز فوری به اتحاد

بدون حمایت بین‌المللی، چالش عمده‌ای که این گروه‌ها با آن روبه‌رو هستند، رقابت بین‌گروهی است. این رقابت درونی، آن‌ها را از اجرای حملات تهاجمی باز می‌دارد. به جز جبهه مقاومت ملی، چندین گروه مقاومت دیگر نیز تلاش‌های خود را برای جنگ در مناطق تحت نفوذ خود متمرکز کرده‌اند. این گروه‌ها به دلیل تفاوت‌های ایدئولوژیک و سیاسی خود، اغلب باهم رقیب هستند که دورنمای اتحاد را چالش‌برانگیزتر می‌سازد. یک تصور عمده و اشتباه در مورد این گروه‌های مقاومت، این است که آن‌ها نیروهای ضد پشتون هستند؛ اما پشتون‌هایی که تمایل زیادی به مقاومت نشان داده‌اند، تراکم بیش‌تر دارند. این نیروها به‌صورت جداگانه ظرفیت انجام حملات کوچک در برابر طالبان را دارند؛ اما فاقد امکانات نظامی و مالی برای راه‌اندازی یک حمله همه‌جانبه مشترک‌اند.

نیاز است با کنار گذاشتن اختلافات، این نیروها به چالش بزرگ‌تری که توسط طالبان ایجاد شده و افغانستان را به مرز فروپاشی کامل رسانده است، رسیده‌گی کنند. برای مبارزه با این تهدید، نیروهای پراکنده باید یک جبهه متحد تشکیل داده زیر یک چتر فعالیت کنند. امرانه صالح، معاون پیشین رییس‌جمهور افغانستان، می‌گوید که در مسایل مرتبط به جبهه مقاومت، در حال رای‌زنی نزدیک با شرکای منطقه است. اخیراً احمد مسعود با تأیید اظهارات صالح، خواستار ایجاد شورای عالی مقاومت ملی با هدف قرار دادن همه گروه‌های مسلح تحت یک چتر واحد شد. در کل، این گروه‌ها ظرفیت مقابله در برابر طالبان را دارند و می‌توانند گروه شبه‌نظامی طالبان را مجبور به بازبینی در ایجاد یک دولت انتقالی کنند.

بهره‌برداری از خطاها

طالبان در تلاش برای کسب مشروعیت بین‌المللی هستند. در همین زمان، قوانین سخت‌گیرانه این گروه بر غیرنظامیان، به‌ویژه سرکوب زنان، در حال بیش‌تر شدن است و هیچ نشانه‌ای از نرمش آن‌ها دیده نمی‌شود. این در حالی است که این موضوع اعتراضات شدیدی را در جامعه بین‌المللی برانگیخته است و حتی نزدیک‌ترین شرکای طالبان نیز سیاست‌های آن‌ها را محکوم می‌کنند. کابینه طالبان تنها متشکل از اعضای وفادار به خودشان، روحانیون دینی و اعضای

تندرو شبکه حقانی است و هیچ نماینده‌ای خارج از این مجموعه را شامل نمی‌شود. داکتر آربین شریفی، رییس پیشین ارزیابی تهدیدات شورای امنیت ملی افغانستان، در این مورد چنین اظهار نظر کرده است: «طالبان باید علاقه عمل کنند تا از رویارویی آینده با مقاومت مسلح اجتناب کنند. برای انجام این کار، آن‌ها باید دولت انتقالی متشکل از اعضای خارج از گروه خودشان را در نظر گیرند.»

تقویت افکار عامه بر ضد طالب، می‌تواند چشم‌انداز بزرگی برای جذب حامیان و کادرها جهت تغییر جایگاه جبهه به‌عنوان یک نیروی اصلی برای جبهه مقاومت ملی محسوب شود. از نظر استراتژیک، طالبان در سال گذشته در عملیات نظامی خود برای تصرف افغانستان یک جبهه واحد را تشکیل دادند؛ اما موضوع اصلی این است که طالبان یک پارچه نیستند. ابتکار رهبری در میان طالبان را شوراهای مختلف برعهده دارند. کسانی امور اداری را برعهده گرفته‌اند که اکثراً از قشر رادیکال طالبان و بدون داشتن هیچ نوع تجربه اداری هستند. این شکاف‌های داخلی می‌تواند فرصت خوبی به وجود بیاورد تا جبهه مقاومت ملی از آن به‌عنوان اهرم سیاسی به نفع خود استفاده کند. دست‌یابی به این هدف، یک ضربه بزرگ بر جنگ‌جویان وفادار به طالبان محسوب می‌شود تا از رهبران خود رو گشتانده و در نهایت آن‌ها را از کادر اصلی جدا کنند.

پیامدهای آینده

یک مقاومت پراکنده بدون حمایت بین‌المللی، در جنگ علیه طالبان ناکارآمد و محکوم به شکست خواهد بود. به دلیل تطبیق سیاست‌های افراطی طالبان و ناتوانی آن‌ها در اداره افغانستان، شرکای منطقه‌ای این گروه، از جمله روسیه و چین، برای حفظ و دوام مشارکت خود با مشکل مواجه‌اند. اگر این کشورها طرف خود را عوض کرده و متحدان را به دشمن تبدیل کنند، نباید تعجب کرد. آن‌ها ممکن است احساس کنند که جبهه مقاومت ملی ظرفیت بیش‌تر و تجربه اداری بهتر برای تأمین منافع‌شان با مهارت‌های اداری و تجربه کار در اداره افغانستان را دارند. با توجه به این‌که هند مدت‌ها است در میان رهبران مقاومت از محبوبیت زیادی برخوردار بوده است، انتظار می‌رود در روزهای آینده مذاکرات غیرمنتظره به ابتکار دهلی نو صورت بگیرد. تمایل و انگیزه ایالات متحده و غرب برای مداخله مجدد نظامی در افغانستان، صفر است. در حال حاضر، برای غرب مهم است که وضعیت افغانستان را از نزدیک زیر نظر داشته و خطراتی را که جبهه مقاومت ملی متوجه طالبان می‌سازد، از راه دور نظارت و سیاست‌های خود در قبال افغانستان را مطابق آن تنظیم کند. این را فقط زمانی نشان خواهد داد که این جرقه‌های پراکنده و پارچه‌پارچه، آتش یک جنگ تمام‌عیار را رقم بزند؛ آتشی که منجر به بروز یک جنگ داخلی شده و بدبختی افغان‌هایی که اکنون از پنج دهه جنگ خسته‌اند را بیش‌تر کند.

بر بنیاد گزارش رسانه‌های بین‌المللی، ایران در ادامه روند اعدام مجرمان، به‌تازگی ۱۲ زندانی بلوچ را اعدام کرده است. رسانه‌های بین‌المللی روز سه‌شنبه، ۷ جون، گزارش داده‌اند که این زندانیان بامداد روز دوشنبه، ۱۶ جوزا، در زندان زاهدان ایران اعدام شده‌اند. گفته می‌شود که این افراد به جرم قاچاق مواد مخدر و قتل اعدام شده‌اند. در میان افراد اعدام‌شده یک زن نیز بوده است. براساس گزارش عفو بین‌الملل، ایران در سال ۲۰۲۱ بالاترین آمار اعدام را در سطح جهان داشت.

پلاتینی و بلاتر محاکمه می‌شوند



سپ بلاتر، رییس سابق فیفا و میشل پلاتینی، رییس سابق یوفا، قرار است در دادگاه سویس به اتهام فساد محاکمه شوند. رویترز به نقل از دفتر دادستانی کل سویس روز سه‌شنبه، ۷ جون، گزارش داده که قرار است به تاریخ ۸ جون دادگاه درباره این دو چهره تصمیم بگیرد.

به نقل از رویترز این تحقیق توسط دادستانی کل سویس در جریان شش سال انجام شده است. در این تحقیق، بلاتر ۸۶ ساله را به چند فقره از جمله فریب و جعل سند متهم است.

در سوی دیگر، پلاتینی ۶۶ ساله به فریب، اختلاس، مشارکت در سوءمدیریت جنایی به‌عنوان شریک جرم و جعل سند متهم است.

در صورتی که تحقیق انجام شده درست ثابت شود، پلاتینی و بلاتر تا پنج سال زندانی خواهند شد. سپ بلاتر در سال ۲۰۱۱ متهم به پرداخت ۲۰۸ میلیون دلار از فیفا به پلاتینی شده بود. کمیته اخلاق فیفا در سال ۲۰۱۵ بلاتر و پلاتینی را در ابتدا به مدت هشت سال از حضور در فوتبال محروم کرد که بعداً این رقم کاهش یافت.

مدیرعامل سابق شرکت سونی درگذشت



نوبویوکی ایدی، مدیرعامل مشهور پیشین کمپنی جاپانی سونی جان باخت.

رسانه‌های خارجی به نقل از شرکت سونی روز سه‌شنبه، ۶ جون، گزارش داده‌اند که نوبویوکی ایدی، مدیرعامل سابق این شرکت به عمر هشتادوچهارسالگی درگذشته است. طبق معلومات این شرکت، ایدی در ۲ جون درگذشته است.

ایدی در سال ۱۹۹۵ مدیریت سونی را به دست گرفت. او با جذابیت و رفتار صریح خود شناخته شده بود.

سونی یکی از شرکت‌های پیشتاز جاپان در عرصه تولید افزارهای هوشمند از جمله تلفن همراه در جهان است. کار این شرکت در زمینه تولید تلویزیون‌های اچ‌دی پیشرفت زیادی داشته است.

بوریس جانسون از هم‌حزبی‌هایش رای اعتماد گرفت، اما از نظر سیاسی آسیب دید



بوریس جانسون، نخست‌وزیر محافظه‌کار بریتانیا، با اختلاف اندکی موفق شد بر چالشی که فراکسیون حزب

حاکم محافظه‌کار در مقابلش قرار داده بود، فایق آید و از اکثریت نماینده‌گان این حزب در مجلس عوام رای اعتماد گیرد.

به نقل از ان‌بی‌سی نیوز، مجموعاً ۲۱۱ نماینده محافظه‌کار در موافقت به جانسون و ۱۴۸ نماینده این حزب علیه او رای دادند. به این ترتیب، تمامی ۳۵۹ نماینده محافظه‌کار مجلس عوام در این رای‌گیری شرکت کردند.

آقای جانسون با اختلاف بسیار کمی رای اعتماد را به دست آورد و بخش گسترده‌ای از اعضای حزبش علیه او هستند. این واقعیت باعث شده موقعیت سیاسی وی همچنان متزلزل باشد.

کی‌یر استارمر، رهبر حزب کارگر مخالف، از این نتیجه انتقاد کرد و گفت که محافظه‌کاران «مردم بریتانیا را نادیده گرفته‌اند».

پیش از این در سال ۲۰۱۸ نیز حزب محافظه‌کار موضوع عدم اعتماد به «ترزا می» رهبر این حزب و نخست‌وزیر وقت بریتانیا را به رأی گذاشت و در نهایت او با کسب رأی اعتماد دوباره، در مقام خود باقی ماند.

۱۶۸ صندوق امانت در بانک ملی ایران دزدی شده است

بانک ملی ایران محل این سرقت را شعبه دانشگاه در جاده انقلاب شهر تهران اعلام کرده است.

بر بنیاد گزارش‌ها، دزدان وسایل و سرور مرکزی ضبط تصاویر امنیتی شعبه بانک ملی ایران را نیز با خود برده‌اند. رسانه‌های ایران روز دوشنبه، ۱۶ جوزا، از یک رویداد سرقت در یکی از شعبات بانک ملی این کشور خبر دادند.

به دنبال نشر خبرها در مورد دزدی اموال برخی از صندوق‌های امانت بانک ملی ایران، این بانک تأیید کرده که ۱۶۸ صندوق مورد دستبرد قرار گرفته است. رسانه‌های ایران روز سه‌شنبه، ۷ جون، به نقل از بانک ملی ایران گزارش داده‌اند که ۱۶۸ صندوق امانت این بانک دزدی شده است.



امریکا:

اگر کوریای شمالی آزمایش اتمی کند، پاسخ سریع و سخت داده خواهد شد



به دنبال آزمایش‌های موشکی اخیر کوریای شمالی، وزارت خارجه امریکا از آزمایش‌های اتمی توسط این کشور هشدار داده است.

خبرگزاری اناتولی به نقل از وندی شرمین، معاون وزیر خارجه امریکا، نوشته است که اگر کوریای شمالی آزمایش هسته‌ای انجام دهد، پاسخ سختی دریافت خواهد کرد.

وندی شرمین پس از دیدار با جو هیون دونگ، همتای کوریای جنوبی خود، روز سه‌شنبه، ۷ جون، این هشدار را مطرح کرده و گفته است که اگر کوریای شمالی دست به آزمایش هسته‌ای بزند، پاسخ شدیدی دریافت خواهد کرد.

این مقام امریکایی افزوده است: «هر آزمایش هسته‌ای نقض قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل است و به این آزمایش‌ها پاسخ سریع و بسیار سخت داده خواهد شد.»

معاون وزیر خارجه امریکا، کوریای شمالی را به اقدامات بی‌ثبات‌کننده و تحریک‌آمیز متهم کرده و خواهان پایان این عملکرد شده و گفته است که این کشور باید راه دیپلماسی را انتخاب کند.

وندی شرمین در حالی به کوریای جنوبی سفر کرده است که اخیراً دو کشور در پاسخ به آزمایش‌های موشکی کوریای شمالی، هشت موشک را در سواحل شرقی کوریای جنوبی پرتاب کردند.

لاوروف:

اگر تسلیحات دوربرد به کی‌یف فرستاده شود، مسکو خطر تهدید را دورتر خواهد راند

سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، روز دوشنبه در یک کنفرانس مطبوعاتی آنلاین درباره مسایل بین‌المللی گفت که هرچه برد تسلیحاتی که کشورهای غربی به اوکراین می‌فرستند بیشتر باشد، مسکو خط تهدید را از خاک خود دور خواهد کرد.

به نقل از خبرگزاری تاس، سرگئی لاوروف می‌گوید «ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه، قبلاً در مورد وضعیتی که با ورود تسلیحات جدید ایجاد می‌شود، اظهار نظر کرده است و من فقط می‌توانم اضافه کنم که هرچه برد تسلیحاتی که شما تهیه می‌کنید بیشتر شود، ما از قلمرو خود دورتر و فراتر خواهیم رفت.» وزیر امور خارجه روسیه تأکید کرد که فرستادن سلاح دوربرد به اوکراین اشتباه است. او افزود که اگر عملیات ویژه انجام نمی‌شد، تجهیزات تسلیحاتی وجود نداشت.

وی همچنان خطاب به اعضای ناتو گفت روسیه به مدت ۲۰ سال به بریتانیا، ایالات متحده و سایر اعضای ناتو هشدار داده که آن‌ها در سال ۱۹۹۹ تعهد کرده‌اند هیچ کشوری امنیت خود را به قیمت امنیت سایر کشورها تقویت نخواهد کرد، اما اکنون پنج برابر به مرزهای روسیه نزدیک شده‌اند.

دولت ایالات متحده در اول جنوری اعلام کرد که بسته کمک نظامی جدیدی به اوکراین ارائه خواهد کرد که شامل تحویل تسلیحات و مهمات از جمله «سیستم موشکی توپ‌خانه با تحرک بالا» است.

